

<p>شنبه ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۳</p> <p>شماره ۴۱۳۴</p> <p>www.fdn.ir</p> <p>FARHIKHTEGANDAILY</p>



درباره ضربه‌ای که امثال رسول‌اف به هنر اعتراضی می‌زنند

کات به دنیای واقعی: ضدقهرمان بارانت وفاند



میلاد جلیل‌زاده خبرنگار گروه فرهنگ

فیلم جدید محمد رسول‌اف به‌عنوان «دانه انجیر مقدس» در آخرین لحظات به فهرست آثار حاضر در هفتاد و هفتمین دوره از فستیوال فیلم کن اضافه شد و مدتی بعد عکس‌های بازیگران زن این فیلم از جمله سهیلا گلستانی که بدون حجاب در آن حضور داشته‌اند به انتشار رسید.

داستان فیلم درباره مردی است به نام ایمان که با پرزس دادگاه انقلاب تهران است و با تشدید آشوب‌های سیاسی و ناپدید شدن اسلحه‌اش به طرف مرزومزی با بی اعتمادی و پارانویا دست و پنجه نرم می‌کند. او با مشکوک شدن به دخالت همسرش نجمه و دخترانش رضوان و ثنا، سختگیری‌های شدیدی را در خانه اعمال می‌کند و باعث افزایش تنش می‌شود؛ اما این در حالی است که پیرو اتفاقات رخ‌داده در سطح جامعه، قدم به قدم هنجارهای اجتماعی و در نتیجه قوانین زندگی خانوادگی ایمان و همسر و فرزندانش تغییر می‌کنند.

حمایت از رسول‌اف؛ چرا و چگونه؟

نام محمد رسول‌اف را در ایران اگر نه همه، لاقلاً خیلی‌ها شنیده‌اند اما تعداد افرادی که حداقل یکی از آثار او را دیده باشند، بسیار کم است. رسول‌اف از نظر فرقه‌گویی و توانایی کارگردانی، فیلمساز قابل توجهی نیست و حتی نظرگاه سیاسی او هم سطحی و دم‌دستی است. فیلم‌های او نه با لحنی ظریف و عمیق، بلکه با زردترین و کلیشه‌ای‌ترین لحن اپوزیک سعی در ابراز مخالفت با ساختار جمهوری اسلامی دارند و طبیعتاً این لحن و این سبک از بیان، بیشتر از اینکه به کار تأثیرگذاری نرم و تا حد ممکن نامحسوس روی ذهن مخاطبان ایرانی بیاید، باید کاربردهای دیگری داشته باشد.

خود محمد رسول‌اف هم فاغ از بحث‌هایی که راجع‌به ضعف‌های فنی و تکنیکی‌اش در سینما می‌شود، دارای شخصیت حقیقی کاریرماتیک یا حتی موجهی نیست که بتواند به‌عنوان یک منتقد آزاده یا یک دشمن قابل احترام و مقتدر برای نظام سیاسی موجود، او را الگو و قهرمان بخشی از جامعه دانست و حمایت‌هایی که توسط دولت‌های غربی از این شخص صورت می‌گیرند را توجیه کرد. عموی محمد رسول‌اف یکی از مدیران اقتصادی کشور است و حتی خیلی‌ها ورود او به سینما را به‌رغم عدم استعدادش در کار فیلمسازی، به واسطه همین ارتباطات خانوادگی می‌دانند. طبیعتاً فیلمساز ضعیفی که به واسطه رانت خانوادگی توانسته وارد سینما شود، نمی‌تواند شمایلیک قهرمان را برای اپوزیسیون بازی کند و بیشتر به نمادی از بی عدالتی شبیه است. با توجه به این نکات می‌شود پرسید پس با چه انگیزه و هدفی از محمد رسول‌اف حمایت می‌شود و این حمایت توسط چه کسانی انجام می‌پذیرد؟

برای معرفی سینمای رسول‌اف به افراد زیادی که در ایران، بدون دیدن فیلم‌های او احياناً نامش را شنیده‌اند، می‌شود لحن این فیلم‌ها را به ادبیات سازمان مجاهدین خلق تشبیه کرد. نه مجاهدین خلق در ایران محبوبیتی دارند نه فیلم‌های محمد رسول‌اف، اما کارکرد هر دوی این افراد و گروه‌ها صرفاً خبرسازی است؛ فیلم رسول‌اف به کن رفت، خود رسول‌اف ممنوع البرخ است؛ راستی! رسول‌اف مدتی قبل از ساخت این فیلم به دلیل امضای یک بیانیه زندانی شده بود. رسول‌اف فیلمی درباره اعتراضات ۱۴۰۱ ایران ساخته است، بازیگران فیلم رسول‌اف بدون حجاب جلوی دوربین ظاهر شده‌اند و...

به عبارت ساده‌تر، از فیلمسازی محمد رسول‌اف و افراد دیگری مثل او فقط باانگیزه همین خبرسازی‌ها حمایت می‌شود وگرنه اینکه آثار او بتوانند روی ذهن بخشی از جامعه ایران کار کنند و نظرشان را نسبت به حکومت منفی کنند یا ناگه‌های منفی را از آنچه هست شدت و عمق بیشتری بدهند، چیزی نیست که بتوان از چنین کارگردان ضعیفی توقع داشت.

سوال بعدی این است که حامیان مالی محمد رسول‌اف چه کسانی

چارسو

کوین اسپیسی در نقش فرانک سیناترا

به گزارش دنیای تصویر، پل شریدر دنظر دارد کوین اسپیسی را در فیلم زندگی‌نامه فرانک سیناترا بازی دهد. پل شریدر یکی از معدود چهره‌های مدافع کوین اسپیسی در دوران جنیش می‌تو بود. این بازیگر سیرانجام از اتهام آزار جنسی هم‌چهارم تیره شد. شریدر بارها از کوین اسپیسی دفاع کرده و اعتقاد راسخ دارد که نباید او را در فهرست سیاه هالیوود قرار می‌دادند. در مصاحبه جدید شریدر با وولینتی، او اشاره کرد که مشغول کار روی زندگی‌نامه فرانک سیناتراست و اسپیسی قرار است نقش او را بازی کند. به گفته شریدر این دو درباره همکاری در یک فیلم با موضوع فصل آخر زندگی سیناترا صحبت کرده‌اند: «کوین اسپیسی کتابی خوانده درباره اینکه چطور چارلی چاپلین گرفتار کنسل کالچر شد. مگر کوین اسپیسی محکوم می‌شد، او را برای بازی انتخاب نمی‌کردم اما او تیره شده است.»

شریدرا اعتقاد دارد زمانش فرارسیده تا دوباره به کوین اسپیسی کار بدهند. «کنسل کالچر کوین اسپیسی را رها نخواهد کرد... او بازیگر بزرگی است و دو اسکار در کارنامه‌اش دارد. اسپیسی را گناهکار ندانسته‌اند، پس چرا من نباید با او کار کنم؟»

اگر زندگی‌نامه فرانک سیناترا به کارگردانی پل شریدر به مرحله تولید برسد با زندگی‌نامه مارتین اسکورسیزی که برداشت او از زندگی سیناتراست تداخل خواهد کرد. اما به نظر می‌رسد این دو فیلم به دو مقطع مختلف از زندگی سیناترا می‌پردازند. فیلم اسکورسیزی در دهه چهل و پنجاه میلادی اتفاق می‌افتد و فیلم شریدر درباره چندین دهه بعد و فصل آخر زندگی سیناتراست.



هستند؟ این سوال از آن جهت اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که دقت کنیم فیلم‌های رسول‌اف در داخل ایران نمایش رسمی ندارند و در خارج از کشور هم تعداد مخاطبان‌شان در حدی نیست که سرمایه‌گذاری را توجیه کند. به نظر می‌رسد تنها توجیهی که برای حمایت از این فیلم‌ها وجود دارد جذب وب به عبارتی مصرف بودجه‌هایی است که از طرف دولت‌های غربی برای دشمنی با ایران اختصاص داده می‌شود اما اگر همچنین چیزی باشد، کسی از طرف دولت‌هایی مثل آلمان یا فرانسه، به‌طور رسمی برای خرابکاری ذهنی در ایران به امثال رسول‌اف پول نمی‌پردازد.

این حمایت‌ها در چهارچوب جریانی انجام می‌شود که تحت عنوان فاندینگ فیلمسازی در ایران توسط کشورهای اروپای غربی شناخته می‌شود و فرانسه و آلمان به‌طور ویژه‌ای در این زمینه فعال هستند. چندی پیش که موضوع فیلم «کیک محبوب من» و حضور آن در برلیناله مطرح شد، بحث فاند‌های خارجی که به فیلمسازان ایرانی برای تولید فیلم‌هایی با چهارچوب سیاسی خاص پرداخته می‌شود، مقداری مورد توجه قرار گرفت. این سرمایه‌گذاران فیلمنامه‌ها را با ورود به جزئیات ریز و درشت آنها چکش‌کاری می‌کنند و حتی تدوین را هم خودشان انجام می‌دهند و تولید آنها بسیاری از اوقات به شکل زیرزمینی یا تحت پوشش مجوزهای جعلی است.

غیر از خود محمد رسول‌اف و همسرش رزیتا هندبجانیان، امین صدرانی که پیش از این طراح صحنه بود و در مجموعه‌هایی مثل «شب‌های برره» یا «اسافران» فعالیت داشت، به همراه مانی تیلگنر، و ژان کریستوف سیمون تهیه‌کنندگان این فیلم هستند. مانی تیلگنر قبلاً تنها در یک کار دیگر به‌عنوان تهیه‌کننده حضور داشت که که اثری ضدایرانی و ضد دینی به نام «عنکبوت مقدس» بود اما ژان کریستوف سیمون قبل از این در ۱۴ پروژه به‌عنوان تهیه‌کننده حضور داشت و جزء عوامل پیش جهانی فیلم زیرزمینی «شیطان وجود ندارد» به کارگردانی محمد رسول‌اف هم بود. در مورد دانه انجیر مقدس قضیه به این صورت است که می‌توان بین تولیدکننده و پیش‌کننده آن هم یک سری هماهنگی‌های ساختاری دید.

دانه انجیر مقدس توسط Run Way Pictures از آلمان و Parallel۴۵ از فرانسه در تولید مشترک با Arte France Cinema و با حمایت Hamburg Schleswig-Holstein در تولید مشترک با Moin Filmförderung تولید شده است.

Parallel۴۵ اخیراً توسط سایمون، مدیر عامل بوتیک فیلمز Films Boutique راه‌اندازی شد و تهیه‌کنندگی فیلم «فاروق» با Farnik به نوسندگی و کارگردانی آسلی اوگه Asli Ozge را انجام داد که در ترکیه روایت می‌شد. در حقیقت ژان کریستوف سیمون تحت قالب شرکت بوتیک‌فیلمز بود که پیش از این فروش جهانی فیلم «شیطان وجود ندارد» ابرعهده داشت. این فیلم به‌رغم ضعف‌های شدید فنی و داستانی، برنده خرس طلایی در برلیناله در سال ۲۰۲۰ شد؛ اتفاقی که البته در برلیناله بی سابقه نیست.

سیاسی بودن جوایز را تا کجا ادامه می‌دهند؟

برلیناله سیاسی‌ترین فستیوال فیلم در دنیاست و این رویکرد به قدری در ۱۰ سال گذشته برسامد و علنی بوده که دیگر جای انکاری برای آن باقی‌نمانده است. مدتی پیش که خبرنگار رسانه وولینتی با تیری فرمو، دبیر جشنواره فیلم کن گفت‌وگو می‌کرد، این نکته که برلیناله کاملاً سیاسی برخورد می‌کند برای السا کلسلاسی، خبرنگار وولینتی به‌عنوان پیش‌فرضی که به اثبات رسیده مدنظر قرار گرفت و او با ذکر این نکته، از تیری فرمو پرسید آیا کن همچنین رویکردی دارد؟ تیری فرمو در پاسخ به او گفت: «من نمی‌توانم در مورد برلیناله بدون ادای احترام به کار ماریت رینن بیگ و کارلو چاتریان که از سمت خود کناره‌گیری می‌کنند صحبت کنم و همچنین برای تریشیا تاتال که جانشین آنها می‌شود بهترین‌ها را از آرزو می‌کنم. یک جشنواره از طریق فیلم‌هایی که نشان می‌دهد و از طریق صدای هنرمندانی که باید آزادانه عقاید خودشان را بیان کنند، همیشه سیاسی است. این چیزی است که بیشترین اهمیت را دارد. وقتی فیلم‌ها سیاسی هستند، جشنواره‌ها هم سیاسی می‌شوند و وقتی آنها رمانتیک باشند، جشنواره‌ها نیز عاشقانه هستند. از سال ۱۹۴۶

شیرطلایی افتخاری ونیز به پیتر ویر می‌رسد

به گزارش مهر جشنواره فیلم ونیز ۲۰۲۴ از پیتر ویر کارگردان و فیلمنامه‌نویس استرالیایی که فیلم‌هایی چون «انجمن شاعران مرده»، «نمایش ترومن» و «استاد و فرمانده» مستم دور دنیا» و «ارد کارنامه دارد با اهدای شیر طلایی سال ۲۰۲۴ و برای یک عمر دستاورد هنری تجلیل می‌کند. آلبرتو باریرا کارگردان هنری ونیز در بیانیه‌ای گفت: «پیتر ویر تنها ۱۳ فیلم در طول ۶۰ سال کارگردانی کرده و با همان‌ها جایگاه خود را در دنیای کارگردان‌های بزرگ سینمای مدرن کسب کرده است.»

باریرا با یادآوری اینکه ویر در دهه ۱۹۷۰ به لطف ۲ فیلم «ماشین‌هایی که مردم رامی‌خورند» (۱۹۷۴) و «کلاسیک کالت» «پیک‌نیک در هنگ‌کنگ را» در سال ۱۹۷۵ نقش رهبری موج نوی سینمای استرالیا را برعهده داشت، از موفقیت بین‌المللی ۲ فیلم بعدی او یعنی «گالپینولی» و «سال زندگی خطرناک» یاد کرد که درهای هالیوود را به رویش گشودند. باریرا در ادامه تأکید کرد که این کارگردان جایگاه خود را در هالیوود تقویت کرده و در همان حال موفق شده فاصله خود را از صنعت سینمای آمریکا نیز حفظ کند. وی گفت: «شاهد»، «ساحل پشه»، «انجمن شاعران مرده»، «گرین کارت»، «بی باک»، «نمایش ترومن» و «ناخدا و فرمانده» مراحل اصلی هستند که وی در حرفه هنری خود طی کرده و در عین حال یکپارچگی زیربنایی خود را با موفقیت تجاری حفظ کرده است. مدیر جشنواره ونیز یادآوری کرد که «نمایش ترومن» و «انجمن شاعران مرده» هر دو نخستین بار در این جشنواره به نمایش درآمدند.



که «رم شهر بی‌دفاع» یا «نبرد راه‌آهن» بلافاصله پس از جنگ جهانی دوم جوایزی دریافت کردند، دیدیم که جشنواره فیلم کن هرگز از تأییدن نور توجه بر فیلم‌هایی که وضعیت مخاطبان‌شان در منعکس می‌کنند، دست برنداشت. هیات منصفه دو نخل طلا به برادران دارند، دو نخل طلا به کن لوچ، یک نخل طلا به «وایدا» در جریان بحران لهستان که مربوط به سال ۱۹۸۱ می‌شد و یک نخل طلا به مایکل مور که جنگ در عراق در سال ۲۰۰۴ را محکوم کرد، دادند. فیلم «مش» برنده نخل طلای سال ۱۹۷۰، یک فیلم سیاسی عالی هم بود. نقش یک جشنواره خدمت به هنرمندانی است که همیشه نهایت جهان را آشکار می‌کنند.»

حالا باید دید آیا جشنواره کن هم حاضر است به اندازه برلیناله صریح و بی‌پروا رفتارهای سیاسی به خرج بدهد یا محتاطانه عمل می‌کند و سعی خواهد کرد علاوه‌بر پیش بردن یک‌سری اهداف سیاسی، اعتبار هنری‌اش را هم کاملاً زیر سوال نبرد. کن در یکی از دوره‌های اخیرش فیلم ضدایرانی و ضد مذهبی «عنکبوت مقدس» را به‌رغم ضعف‌های فاحش فنی به بخش اصلی‌اش راه داد و حتی جایزه‌ای هم به آن فیلم تعلق گرفت؛ اما همین اتفاق یکی از اصلی‌ترین دلایلی بود که باعث شد موضع کسانی که در داخل خود ایران از سال‌ها پیش به این سو درباره سیاسی بودن و غیرهنری بودن این جوایز استدلال می‌کردند، دست بالا را پیدا کنند و تأثیر روانی جوایز این فستیوال‌ها بر جو عمومی داخل ایران بسیار کم‌رنگ‌تر شود.

توجه به این نکته هم حائز اهمیت است که حتی فستیوال برلیناله در این دوره از برگزاری‌اش جایزه قابل توجهی در بخش اصلی به فیلم «کیک محبوب من» اختصاص نداد. این ممکن است به تازه‌وارد بودن بهتاش صناعی‌ها در صنعت اپوزیسیون مربوط باشد که هنوز او را کاملاً قابل اعتماد نکرده است اما احياناً به پیش‌بینی‌هایی که در رسانه‌ها درباره جایزه گرفتن این فیلم به دلایل سیاسی شد هم مربوط می‌شد.

از آنجایی که قبل از اختتامیه برلیناله ۲۰۲۴ صحبت‌هایی درباره نوع حمایت مالی آلمان و فرانسه از فیلم کیک محبوب من در رسانه‌ها مطرح شد و جایزه گرفتن این فیلم در اختتامیه جشنواره هم به‌عنوان یک گمانه‌زنی

جدی جزء پیش‌بینی‌ها بود، جایزه دادن به فیلم بهتاش صناعی‌ها به نوعی می‌توانست تأییدی باشد بر تمام تحلیل‌ها و اخباری که راجع‌به فاندینگ این نوع آثار در اروپای غربی و سیاسی بودن جشنواره‌های فیلم مطرح شد. از این جهت شاید ناگامی بهتاش صناعی‌ها در جایزه گرفتن از بخش‌های اصلی برلیناله به عدم تمایل برگزارکنندگان این جشنواره به برجسب خوردن‌هایی تا این اندازه صریح بود که امکان داشت کارکرد روانی این جوایز را در بخشی از افکار عمومی ایران پس از ماجرای فیلم عنکبوت مقدس، باز هم بیشتر از قبل کاهش بدهد. از آنجایی که بمباران رسانه‌ای علیه ذهن و افکار جامعه ایران توسط کشورهای بلوک غرب بسیار شدید شده است، دیگر دوز این نوع فعالیت‌ها هر قدر هم که بالا می‌رود، تأثیری را که از آنها می‌توان توقع داشت نمی‌گذارند.

به‌طور مثال اگرچه یک روز با فوت مرحومه مهسا امینی و رسانه‌ای شدن این خبر بخش قابل توجهی از جامعه ایران تحریک شد اما تکرار برسرآی یا برجسته‌سازی مواردی از این دست که با هدف تحریک جامعه ایران انجام می‌گردد، باعث شد اخبار دیگری که پس از آن رسانه‌ای شدند، چه راست و چه دروغ، دیگر تأثیر سابق را نگذارند. در مورد تأثیر جوایز جشنواره‌های غربی هم همین اتفاق افتاده است. وقتی بار اول به فیلم «ناکسی» جعفر پناهی به‌رغم ضعف‌های آشکار فنی‌اش تنها به دلایل سیاسی در برلیناله جایزه داده شد، آن جایزه توجهات نسبتاً بیشتری را به خودش جلب کرد اما تکرار چند باره این موضوع، دیگر اهمیت جوایز اروپایی را از بین برد. به عبارتی همان‌طور که دوز یک دارو (مثلاً خواب‌آور) را هر قدر بالا می‌برند، تأثیر آن روی فرد مصرف‌کننده به مرور کمتر می‌شود، وقتی تأثیر این فعالیت‌های جشنواره‌ها هم سیاسی می‌شوند و بیش از حدشان مرتب کاهش پیدا می‌کند.

پخش سریال ترکیه‌ای «مولانا» دریکی از پلتفرم‌های داخلی

به‌گزارش اطلاعات آنلین، سریال رومی به کارگردانی جان اولکای محصول کشور ترکیه و شبکه‌تابی این کشور است که با زیرنویس فارسی در یکی از پلتفرم‌های نمایش خانگی در دسترس کاربران قرار گرفته است. این روزها که تب تماشای زندگی شاعر پرآوازه ایرانی مولانا به واسطه اکران فیلم «مست عشق» داغ است تماشای سریال رومی که برشی از زندگی مولانا و آشنایی او با شمس تبریزی است می‌تواند برای بعضی جذاب به نظر برسد. داستان سریال رومی که هر دو فصل ده قسمتی آن در سال ۲۰۲۳ منتشر شد، زندگی مولانا جلال‌الدین محمد بلخی را به تصویر درمی‌آورد. در خلاصه داستان رسمی فصل اول سریال آمده: «مولانا برای فرار از حمله مغول‌ها رهسپار غرب می‌شود، اما سفر واقعی، همان معنویت است که هدف او را در زندگی از طریق پیوند عمیق ترش با خدا به وی می‌آموزد که با فلسفه درک خود به اوج می‌رسد.» در پایان فصل اول، شمس وارد زندگی مولانا می‌شود و درهای جدید به روی او باز می‌کند.

در فصل دوم سریال رومی، داستان دلدادگی مولانا به شمس و آموزش‌های او مطرح می‌شود. آشنایی و همراهی‌ای که حسادت‌هایی در پی دارد و همه تلاش می‌کنند تا بین شمس و مولانا فاصله‌ای بیندازند.

بولنت اینسال (در نقش مولانا جلال‌الدین محمد)، بازیبد گلرجان (در نقش بهال‌الدین ولد، دویم اورکان (در نقش افسون خاتون)، تولین اورال (در نقش بهشت خاتون)، تورکای آیدین (در نقش ادریس) و با حضور کان ییلدیریم، آهو ترکچینکه بازیگران این سریال هستند.



سریال «روزی روزگاری برادر» روی آنتن شبکه سه می‌رود

به گزارش میزان، همزمان با آغاز دهه کرامت، سریال تلویزیونی «روزی روزگاری برادر» به کارگردانی محمدرضا آهنج و تهیه‌کنندگی سجاد اسدی، با مشارکت مرکز ارتباطات و رسانه آستان قدس رضوی از جمعه ۲۱ اردیبهشت روی آنتن شبکه سه صدا و سیما می‌رود.

طبق اعلام روابط عمومی آستان قدس رضوی، تهیه‌کننده سریال روزی روزگاری برادر به‌اشاره‌به موضوع این سریال، گفت: «داستان درباره شهدای مفقود‌الثر هشت سال دفاع مقدس و عنایت حضرت رض(ع) پیرامون آنهاست.»

سجاد اسدی ادامه داد: «شخصیت اصلی سریال، دکتر تدین، برادریکی از فرماندهان جنگ است که سال‌هاست مفقود‌الثر بوده و از آنجاکه پشت سراین فرمانده حرف و حدیث‌های زیادی وجود دارد، دکتر نام فامیلی خود را تغییر داده است. تدین که دکترای ژنتیک دارد در آستان‌ها مهاجرت باخبری می‌شود که انگشتی متعلق به برادرش توسط کمیته مفقودین پیدا شده و او به خاطر اینکه هویت خانوادگی خود را بفهمد تا مهاجرت صرف نظر کرده و پیگیر انگشتی می‌شود.» تهیه‌کننده این سریال از پخش آن از جمعه ۲۱ اردیبهشت ساعت ۲۱:۱۵ از شبکه سوم سیما خبر داد و گفت: «سریال روزی روزگاری برادر با حضور بازیگران نام‌آشنایی همچون علیرضا جلالی‌تبار، آشا محرابی، علی اوسیزوند، محمد صادقی، رحیم نوروزی، سیروس همتی و شیرین آقاکاشی روی آنتن تلویزیون می‌رود.» اسدی با بیان اینکه مطالعات پژوهشی داستان سریال، حدود پنج سال طول کشیده است، اظهار کرد: «پس از ارائه طرح سریال از سوی شبکه سوم سیما به آستان قدس رضوی، ایده و فیلمنامه مورد استقبال قرار گرفت.»

